



<http://ui.ac.ir/en>

Journal of Researches in Linguistics

E-ISSN: 2322-3413

Document Type: Research Paper

11(1), 33-48

Received: 30.05.2018 Accepted: 27.10.2018

Possession Schemas in Persian

Mehrdad Naghzgoyekohan*

Department of General Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

Sasan Maleki

Department of General Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

sassanmaleki@yahoo.com

Corresponding author, e-mail: mehrdad.kohan@basu.ac.ir

Abstract

The present study aims to investigate the nominal and the predicative possession schemas in Persian with a cognitive approach. Schemas are abstractions from which the grammatical constructions develop. To this end, Heine's (1997) cognitive approach to the study of the Possession Schemas is considered as the theoretical framework by the authors. The results of the study show that the Action, the Location, the Companion, the Goal and the Source Schemas are used in Persian to encode the predicative possession. Moreover, the Location, the Companion, the Additive, the Genitive, the Source, the Linking and the Topic Schemas encode the nominal possession in Persian. A unique feature of Persian, which is not documented in Heine's cognitive approach, is the use of the Linking Schema to encode the nominal possession. This issue is introduced in this research for the first time. Furthermore, Persian uses the Source Schema to express the predicative possession.

Keywords: Predicative Possession, Nominal Possession, Cognitive Approach, Schema, Idiom.

نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی

سال یازدهم، شماره اول، شماره ترتیبی ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۸

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۳/۹

تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۷/۸/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۵

صص ۳۳ - ۴۸

طرح‌واره‌های مالکیت در زبان فارسی

* مهرداد نغزگوی کهن

** ساسان ملکی

چکیده

مقاله حاضر از منظر شناختی به بررسی طرح‌واره‌های مالکیت محمولی و اسمی در زبان فارسی می‌پردازد. منظور از طرح‌واره ساخت‌هایی است که امکانات دستوری از آنها به وجود آمده‌اند. در این راستا، رویکرد شناختی هاینه (۱۹۹۷) در مورد طرح‌واره‌های مالکیت با توجه به داده‌های فارسی محک می‌خورد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زبان فارسی از طرح‌واره‌های کنش، مکانی، همراهی، هدف و منبع برای رمزگذاری مالکیت محمولی استفاده می‌کند. در این زبان برای بیان مالکیت اسمی از طرح‌واره‌های مکانی، همراهی، اضافی، منبع، اتصالی و مبتدائی استفاده می‌گردد. مشخصه مهمی که زبان فارسی را از زبان‌های مورد مطالعه هاینه متمایز می‌سازد، استفاده از طرح‌واره اتصالی برای رمزگذاری مالکیت اسمی است. این طرح‌واره برای اولین بار در این تحقیق معرفی شده است. مشخصه برجسته دیگر زبان فارسی استفاده از طرح‌واره منبع در بیان مالکیت محمولی است که در زبان‌های جهان دیده نشده است.

کلیدواژه‌ها

مالکیت محمولی، مالکیت اسمی، رویکرد شناختی، طرح‌واره، اصطلاح

mehرداد.kohan@basu.ac.ir

sassanmaleki@yahoo.com

* دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسؤل)

** دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

Copyright©2019, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

[Doi: 10.22108/jrl.2018.111303.1218](https://doi.org/10.22108/jrl.2018.111303.1218)

۱. مقدمه

مفهوم مالکیت ناظر بر رابطه بین مالک و مملوک است. نکته‌ای که مطالعه در مورد مالکیت را مشکل می‌سازد نوع رابطه مالک با مملوک است. این رابطه در فرهنگ‌های مختلف به صورت متفاوتی تعریف می‌شود که الزاماً با تعریف حقوقی از مالکیت هم‌پوشی کامل ندارد. در حقوق مدنی سه مشخصه مطلق بودن، انحصاری بودن و دائمی بودن را برای مالکیت در نظر می‌گیرند و مالکیت به‌عنوان کامل‌ترین حق عینی تعریف می‌شود که انسان می‌تواند بر مالی داشته باشد، به گونه‌ای که با هر انگیزه‌ای از عین مال خود بهره‌برداری کند یا آن را بی‌استفاده باقی‌گذارد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۰۱ و ۱۰۶). در زبان، رابطه مالک و مملوک می‌تواند از نوع رابطه تملک حقوقی (مثل «خانه من»)، رابطه کل-جزء^۱ (مانند «شاخه درخت»)، و یا رابطه خویشاوندی^۲ (از قبیل «پدر داماد») باشد. این نوع روابط خود می‌توانند از نوع تفکیک‌پذیر^۳ یا تفکیک‌ناپذیر^۴، موقت یا دائمی و جز آن تلقی شوند. تفکیک‌پذیری یا تفکیک‌ناپذیری از جمله خصوصیات مملوک است. رابطه مملوک‌های تفکیک‌پذیر را معمولاً می‌توان با مالک قطع کرد، مثلاً مملوک را می‌شود از مالک جدا نمود، فروخت و یا قرض داد (مثل «ماشین من»)، ولی چنین امری در مورد مملوک تفکیک‌ناپذیر عملی نیست (مثل «دست من»). البته حتی همین تفکیک‌پذیری یا تفکیک‌ناپذیری پیچیدگی‌های خاص خود را داراست و به مشخصه‌های فرهنگی نیز می‌تواند ربط داشته باشد. مثلاً در بعضی از زبان‌ها مواردی که به لحاظ فرهنگی مهم هستند (مانند «خانه»، «آتش»، یا «قایق») در دسته تفکیک‌ناپذیر قرار می‌گیرند. به علت همین ملاحظات فرهنگی است که گاهی تمایز گذاردن بین مالکیت تفکیک‌پذیر و تفکیک‌ناپذیر در زبان‌ها مشکل است (دیکسون^۵، ۲۰۱۰: ۲۷۸-۲۷۷؛ آیکهنوالد^۶، ۲۰۱۳: ۳ و ۱۲، هاینه^۷، ۱۹۹۷: ۸۵). به‌طور کلی، مالکیت تفکیک‌ناپذیر مقوله‌های کمتری را در بر می‌گیرد (نیکلز^۸، ۱۹۸۸: ۵۶۲) و نیز پیوند ساختاری بین مالک و مملوک در این نوع مالکیت از انسجام بیشتری برخوردار است (نیکلز، ۱۹۹۲: ۱۱۷).

در زبان‌ها معناهای مختلف مالکیت (یعنی تملک، روابط کل-جزء و روابط خویشاوندی) در ساخت‌های مختلف رمزگذاری می‌شوند. در این راستا، زبان‌شناسان به‌طور کلی سه نوع ساخت مالکیت اسمی^۹، محمولی^{۱۰} و بیرونی^{۱۱} را از هم متمایز نموده‌اند (مک‌گر^{۱۲}، ۲۰۰۹: ۲؛ آیکهنوالد، ۲۰۱۳). در ساخت مالکیت اسمی، مالک و مملوک یک گروه اسمی می‌سازند، مثل «خانه من» یا «شاخه درخت». معمولاً این ساخت اسمی سه نوع مفهوم ملکی تملک حقوقی، رابطه کل به جزء و روابط خویشاوندی را پوشش می‌دهد. منظور از مالکیت محمولی ساخت‌هایی است که در آنها رابطه مالکیت در محمول مشخص می‌شود. این کار با انواع افعال ملکی^{۱۳}، مثل «داشتن» (شاهد ۱) یا «متعلق بودن» (شاهد ۲)،

^۱ whole-part relation

^۲ kinship relation

^۳ alienable

^۴ inalienable

^۵ R.M.W. Dixon

^۶ A.Y. Aikhenvald

^۷ B. Heine

^۸ J. Nichols

^۹ nominal/adnominal possession

^{۱۰} predicative possession

^{۱۱} external possession

^{۱۲} McGregor

^{۱۳} verbs of ownership

ساخت وجودی^۱ (شاهد ۳) یا ساخت مکانی^۲ با فعل ربطی^۳ (شاهد ۴) به‌دست داده شود^۴ (برای توضیحات و مثال‌های بیشتر از این ساخت‌ها رک. نغزگوی کهن، ۱۳۹۵ب):

(۱) پیرمرد عصا دارد.

(۲) این خانه متعلق به من است.

(۳) تو این خونه پارکینگ هست.

4) tá leabhar agam
is book at-me

«کتاب دارم (تحت الفظی: کتاب بر من است)»

اصل کلی در مالکیت محمولی بر این است که اگر چند نوع مالکیت محمولی داشته باشیم، فعل «داشتن» معمولاً برای مالکیت تفکیک‌پذیر یا رابطه‌ناپایدا تر به کار می‌رود، و ساخت دیگر (مثلاً فعل ربطی و وجودی) برای روابط کل-جزء، خویشاوندی و یا مالکیت دائم مورد استفاده قرار می‌گیرد (آیخوالد ۲۰۱۳: ۳۳). استاسن^۵ (۲۰۰۵: ۴۷۴) بر آن است که اغلب معرفه یا نکره بودن مملوک در انتخاب ساخت مالکیت محمولی در زبان‌ها حائز اهمیت است.

مالکیت بیرونی ناظر بر ساخت‌هایی در سطح بند است که مالک خارج از سازه‌ای قرار می‌گیرد که مملوک در آن واقع است و رابطه مالکیت در فعل و در گروه اسمی مشخص نشده است. این نوع مالکیت، بیانگر روابط کل-جزء و خویشاوندی است. در مالکیت بیرونی بر مالک تأکید بیشتری می‌شود (فراید، ۲۰۰۹):

(۵) خواجه در بند نقش ایوان است خانه از پای بند ویران است (سعدی شیرازی، ۱۳۸۱: ۱۹۱)

بیت فوق نمونه‌ای از رابطه کل-جزء در ساخت مالکیت بیرونی را نشان می‌دهد که در آن «خانه از پای بند» همان «پای بند خانه (مالکیت اسمی)» می‌باشد. مالکیت بیرونی دارای نقش فرعی در زبان فارسی است.^۶

در زبان‌ها معمولاً یک ساخت منحصر به فرد برای بیان مالکیت وجود ندارد، بلکه ممکن است امکانات زبانی چند-نقشی^۷ باشند. مثلاً نقش کسره اضافه در شواهد زیر با هم تفاوت دارد و تنها در شاهد (۶) و (۷) بیانگر مملوک است و در (۸) و (۹) فقط نقش اتصالی دارد:

(۶) انگشت من (۷) پدر علی (۸) انگشت اشاره (۹) تحلیل قوی

در رویکرد دستوری شدگی چند-نقشی بودن یک صورت را واگرایی^۸ می‌نامند (هاپر^۹، ۱۹۹۱؛ نیز رک. نغزگوی کهن، ۱۳۸۹). در زبان فارسی علاوه بر مالکیت اسمی، مالکیت محمولی نیز کاربرد فراوانی دارد. در فارسی امروز مالکیت محمولی بیشتر با فعل «داشتن» بیان می‌شود^{۱۰}:

^۱ existential construction

^۲ locational construction

^۳ copula

^۴ کلارک (Clarke, 1978) نخستین محقق است که متوجه وجود رابطه میان «وجود»، «مالکیت» و «مکان» شد (رک. آیخوالد، ۲۰۱۳: ۳۰).

^۵ L Stassen

^۶ برای توضیحات و مثال‌های بیشتر رک. نغزگوی کهن (۱۳۹۵ب).

^۷ poly-functional

^۸ divergence

^۹ P.J.Hopper

^{۱۰} برای نگاهی تاریخی در مورد انواع رمزگذاری مالکیت رک. نغزگوی کهن (۱۳۹۵ الف)، نیز رک. مصطفوی (۱۳۹۱).

(۱۰) من خانه دارم.

البته مفهوم مالکیت فوق را با مالکیت اسمی نیز می‌توان بیان کرد:

(۱۱) خانه من

تفاوت ظریف بین این دو نوع مالکیت این است که ماهیت اطلاعات موجود در مالکیت اسمی به نوعی «پیش فرض» است و شامل خبر جدیدی برای شنونده نیست، اما مالکیت محمولی می‌تواند ناظر بر خبری جدید باشد (هاینه، ۱۹۹۷: ۸۶). با نگاهی به مثال (۵) می‌توان دریافت که جمله یاد شده می‌تواند خبری جدید برای شنونده محسوب گردد. از دیگر تفاوت‌های موجود بین این دو نوع مالکیت، ساختار ظاهری آنهاست. مالکیت اسمی به صورت گروه و مالکیت محمولی به صورت جمله/ بند است. علاوه بر این، ساخت‌های ملکی محمولی خاص‌ترند و از تنوع بیشتری برخوردارند (آیخنوالد، ۲۰۱۳: ۱۰). همان‌طور که قبلاً گفتیم علاوه بر مالکیت اسمی و محمولی، در زبان‌ها مالکیت به صورت «بیرونی» نیز می‌تواند رمزگذاری شود (مک گرگور، ۲۰۰۹؛ آیخنوالد، ۲۰۱۳).

در زبان‌شناسی شناختی مالکیت به عنوان یک مدل ارجاعی^۱ تعریف می‌شود که در آن مالک به عنوان «نقطه ثابت»^۲ برای درک مملوک عمل می‌کند که «نقطه متحرک»^۳ است (لنگاکر^۴، ۱۹۹۳). تاکنون مالکیت در زبان فارسی از منظر شناختی مورد بررسی قرار نگرفته است. به همین دلیل، در این مقاله سعی می‌شود بر پایه مدل شناختی و آرای هاینه (۱۹۹۷) ساخت‌های مالکیت در فارسی نو مورد بررسی قرار بگیرد. منظور از فارسی نو، فارسی مربوط به دوران اسلامی است.

ساختار این مقاله به این شرح است: بخش دوم مقاله حاضر به بیان چارچوب نظری تحقیق اختصاص خواهد داشت. در این بخش، با پیروی از رویکرد شناختی هاینه (۱۹۹۷) بر اهمیت ساخت در بیان مالکیت تأکید خواهد شد. در این راستا انواع طرح‌واره‌های ساخت مالکیت در زبان‌های جهان مورد توجه قرار خواهد گرفت. بخش سوم این مقاله به استخراج طرح‌واره‌های مالکیت در زبان فارسی اختصاص دارد. در این بخش ساخت‌های مالکیت فارسی با یافته‌های هاینه (۱۹۹۷) مقایسه خواهد شد. این مقاله با نتیجه‌گیری پایان می‌یابد.

۲. چارچوب نظری تحقیق

بعضی از حوزه‌های دستور هستند که تنها با ارجاع به کلمات یا تکوژها نمی‌توان آنها را توصیف یا تبیین نمود. در واقع، هستی این نوع امکانات دستوری وابسته به ساختارهای طرح‌واره‌ای است که دارای صورت گزاره‌ای^۵ هستند. هاینه (۱۹۹۳) و (۱۹۹۷: ۸۳) این ساختارها را طرح‌واره‌های رویداد^۶ می‌نامد. مالکیت نیز از جمله این نوع حوزه‌های دستوری است که در توصیف و تبیین آن با ساخت‌های انتزاعی و یا به تعبیر هاینه طرح‌واره‌های رویداد روبرو هستیم. این طرح‌واره‌ها بسیار متنوع هستند. هاینه (۱۹۹۷) با توجه به داده‌ها از زبان‌های مختلف جهان دست به توصیف و طبقه‌بندی این طرح‌واره‌ها زده است. در زیر، این طرح‌واره‌ها را به همراه مثال‌هایی از زبان‌های دنیا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

^۱ referential model

^۲ landmark

^۳ trajector

^۴ R Langacker

^۵ propositional form

^۶ event schema

عمده شواهد مقاله حاضر از منابع مکتوب زبان فارسی نو (یا همان فارسی دوران اسلامی) استخراج شده است. اندک شواهدی هم که منبعی برای آنها در متن ذکر نشده، با استفاده از کلیدواژه‌های مقتضی از موتور جستجوی گوگل استخراج گردیده است.

۲-۱. طرح‌واره‌های بیان مالکیت در زبان‌های دنیا

هاینه (۱۹۹۷: ۸۶) مالکیت را به انواع توصیفی^۱ (اسمی) و محمولی تقسیم‌بندی می‌کند. مالکیت توصیفی/اسمی در گروه (اسمی) وقوع دارد:

12) My credit card

«کارت اعتباری من»

از نظر هاینه مالکیت محمولی خود به دو دسته تقسیم می‌شود: ساخت محمولی «داشتن» (ساخت دال^۲، شاهد ۹) و ساخت محمولی «متعلق بودن» (ساخت تعلق^۳، شاهد ۱۰). ویژگی مهمی که دو نوع ساخت محمولی را از هم متمایز می‌کند، جایگاه مالک و مملوک در بند است. در ساخت دال، مالک در جایگاه فاعل یا مبتدا قرار می‌گیرد و مملوک متمم است، ولی در ساخت تعلق مملوک در جایگاه مبتدا قرار دارد و مالک نیز متمم است:

13) I have a credit card.

«من یک کارت اعتباری دارم.»

14) The dog is Ron's.

«سگ به ران تعلق دارد.»

همان‌طور که از مثال‌های فوق برمی‌آید، به علت نوع توزیع مالک و مملوک در بند، حتی ساختی که دارای فعل «بودن» است، در زمره ساخت تعلق طبقه‌بندی می‌شود. از نظر واتکینز^۴ (۱۹۶۷: ۲۱۹۴) در ساخت تعلق مملوک برجسته می‌شود؛ در حالی که در ساخت دال، این مالک است که برجسته می‌گردد. ولی هاینه (۱۹۹۷: ۸۷) به لحاظ کاربردی بین این دو نوع تمایز می‌گذارد. از نظر وی، در ساخت دال مملوک معمولاً نامعین است، یعنی مصداق‌ها قابل شناسایی نیستند؛ در حالی که در ساخت تعلق مملوک معین است. علاوه بر این، مالک در هر دو ساخت می‌تواند معین باشد، ولی امکان نامعین بودن مالک در ساخت تعلق وجود دارد.

مالکیت یک حوزه نسبتاً انتزاعی از مفهوم‌سازی است، بنابراین بی‌سبب نیست این حوزه انتزاعی از حوزه‌های عینی‌تر سرچشمه گرفته شده باشد. این جهت تغییر، یعنی از عینی به انتزاعی در به‌وجود آمدن بسیاری از امکانات دستوری مخصوصاً از رهگذر بسط استعاره نقش مهمی ایفا نموده است (نغزگوی کهن و راسخ‌مهند، ۱۳۹۱). حوزه‌های عینی اولیه که ساخت‌های ملکی از آنها سرچشمه گرفته‌اند مربوط به تجارب پایه‌ای انسانی هستند، مثل آنچه که انسان انجام می‌دهد (کنش^۵)، جایگاه^۶ او، همراهان او (همراهی^۷)، و یا اینکه چه چیزی وجود دارد (وجود^۸). همان‌طور که قبلاً گفتیم، این

¹ attributive

^۲ ساخت دال بر اساس حرف اول فعل «داشتن» ساخته شده است که معادل H-possession در چارچوب هاینه است.

³ belong-possession

⁴ C. Watkins

⁵ action

⁶ location

⁷ companion

⁸ existence

نوع توصیفات کلیشه‌ای از تجارب تکرار شونده بشری را به پیروی از هاینه (۱۹۹۳ و ۱۹۹۷) «طرح‌واره رویداد» می‌نامیم. طرح‌واره‌های رویداد در مقام منبع اولیه عمل کرده و ساخت‌های مالکیت را به‌وجود آورده‌اند. هاینه (۱۹۹۷:۹۱) با ارائه شواهدی از زبان‌های مختلف دنیا، برای انواع مالکیت اسمی و محمولی هشت طرح‌واره رویداد ارائه می‌کند. این هشت طرح‌واره عبارتند از: طرح‌واره کنش، طرح‌واره مکانی، طرح‌واره همراهی، طرح‌واره اضافی^۱، طرح‌واره هدف^۲، طرح‌واره منبع^۳، طرح‌واره مبتدائی^۴ و طرح‌واره برابری^۵. در جدول زیر این طرح‌واره‌ها به‌صورت فرمول بیان شده‌اند. در این فرمول‌ها X مالک و Y مملوک است. تمامی این طرح‌واره‌ها معنای نهایی (هدف^۶) «X، Y دارد» را کسب کرده‌اند:

جدول ۱- توصیف فرمولی طرح‌واره‌های رویداد

نام طرح‌واره	طرح‌واره منبع
کنش	X takes Y
مکانی	Y is located at X
همراهی	X is with Y
اضافی	X'Y exists
هدف	Y exists for/to X
منبع	Y exists from X
مبتدائی	As for X, Y exists
برابری	Y is X's (Y)

در طرح‌واره کنش، مالکیت محمولی از ساخت‌هایی سرچشمه می‌گیرد که شامل کنشگر^۷، کنش‌پذیر^۸ و کنش باشند. طرح‌واره کنش منشأ ساخت دال و ساخت ملکی تعلق است. افعالی با معناهای «گرفتن»، «چنگ انداختن»، «تصرف کردن»، «نگاه داشتن»، «حاکم بودن»، «کسب کردن» ناظر بر این طرح‌واره هستند:

15) Napoleon Bonaparte ruled France from 1799 to 1815.

«ناپلئون بناپارت از سال ۱۷۹۹ تا ۱۸۱۵ بر فرانسه حکمرانی کرد.»

در طرح‌واره مکانی که از مهم‌ترین طرح‌واره‌ها در ساخت مالکیت اسمی است، مملوک در جایگاه فاعل قرار می‌گیرد و مالک، متمم مکانی است؛ فعل هم می‌تواند یک فعل ربطی و غیر آن باشد، مانند مثال زیر که از زبان استونی^۹ است (هاینه، ۱۹۹۷:۹۲):

16) Isal on raamat.
Father.ADESSIVE 3.SG.be book.NOM

¹ genitive
² goal
³ source
⁴ topic
⁵ equation
⁶ target
⁷ agent
⁸ patient
⁹ Estonian

«پدر کتاب دارد» (معنای تحت اللفظی: «کتاب بر پدر است»)

در طرح‌واره همراهی مالک بیشتر در جایگاه فاعل می‌آید و مملوک به صورت متمم همراهی رمزگذاری می‌گردد، مانند مثال زیر که مربوط به زبان آفریقایی مویون^۱ است (هاینه، ۱۹۹۷: ۹۳):

17) war ke siwol.
3.F with money

«او پول دارد»، تحت اللفظی: «او با پول»

این طرح‌واره در زبان‌های دنیا برای ساخت مالکیت محمولی به کار می‌رود، اما شواهدی از زبان ترکانا^۲ یافت شده است که در ساخت مالکیت اسمی هم به کار رفته است.

در طرح‌واره اضافی مالک به عنوان ضمیر ملکی به مملوک اضافه می‌گردد. این طرح‌واره در ساخت مالکیت اسمی به کار می‌رود، مانند شاهد زیر که از زبان ترکی است (هاینه، ۱۹۹۷: ۹۴):

18) Kitab-im var.
book- my exist

«من کتاب دارم.» (تحت اللفظی: «کتابم وجود دارد»)

در طرح‌واره هدف مالک به صورت متمم برای در جایگاه بهره‌ور است و مملوک هم معمولاً به صورت فاعل ظاهر می‌شود. طرح‌واره هدف هم در ساخت مالکیت اسمی و هم محمولی به کار می‌رود، مانند مثال زیر از زبان بولیویایی^۳ (هاینه، ۱۹۹۷: ۹۴):

19) Waska tiya- puwan.
Rope exist-for.me

«من طناب دارم.» (تحت اللفظی: «طناب وجود دارد برای من»)

طرح‌واره منبع بیشتر برای بیان مالکیت اسمی به کار می‌رود و در آن از متمم از (امکان تحلیلی) و یا امکانات ترکیبی برای رمزگذاری مالک استفاده می‌گردد. طرح‌واره یاد شده در زبان‌های اروپایی کاربرد فراوان دارد. در زبان انگلیسی ساخت‌های اضافی شامل اضافه^۴ of در این گروه قرار می‌گیرند.

در طرح‌واره مبتدائی مالک جایگاه مبتدا را اشغال می‌کند. در زبان‌های دنیا این طرح‌واره بیشتر برای بیان مالکیت اسمی به کار می‌رود، مانند مثال زیر از زبان آفریکانز^۵ (هاینه، ۱۹۹۷: ۹۶)

20) Die boer se huis.
The farmer his house

«خانه کشاورز.» (تحت اللفظی: «کشاورز خانه‌اش»)

طرح‌واره برابری مخصوص ساخت‌های محمولی تعلق است. در زبان انگلیسی مواردی چون The car is mine («ماشین مال من است») در این مقوله می‌گنجد. چنانکه ملاحظه می‌شود از فعل ربطی be «بودن» در این ساخت استفاده شده است.

مباحث فوق و طرح‌واره‌های موجود در زبان‌های جهان را در جدول زیر می‌توان خلاصه کرد.

¹ Mupun

² Turkana

³ Bolivian

⁴ of-genitive

⁵ Afrikaans

جدول ۲- طرح‌واره‌های بیان مالکیت اسمی و محمولی در زبان‌های دنیا

طرح‌واره	شیوه رمزگذاری مالک و مملوک	مالکیت اسمی	مالکیت محمولی
کنش	مالک با فعلی مانند «گرفتن» در کنار مملوک قرار می‌گیرد.	-	+
مکانی	مملوک «بر» مالک واقع می‌شود.	+	+
همراهی	مالک به همراه مملوک می‌آید.	+	+
اضافی	مالک به صورت «اضافه» در کنار مملوک واقع می‌شود. نوع فعل، مکانی یا وجودی است.	+	-
هدف	مملوک برای بهره‌وری مالک وجود دارد.	+	+
منبع	از حالت ازی برای رمزگذاری مالک استفاده می‌شود.	+	-
مبتدائی	مالک در جایگاه مبتدا قرار می‌گیرد.	+	+
برابری	مالک برابر با مملوک است.	-	-

از آنجا که ساخت‌های محمولی تعلق‌ی در زبان فارسی با فعل «تعلق داشتن» یا «متعلق بودن» بیان می‌شود و کاربرد آنها بسیار رسمی است، از بحث در مورد آنها در این مقاله صرف نظر کرده‌ایم. و در جدول فوق نیز اطلاعات مربوط به مالکیت محمولی غیر تعلق‌ی (یعنی ساخت دال) را در قسمت مالکیت محمولی لحاظ کرده‌ایم.

۳. طرح‌واره‌های بیان مالکیت در زبان فارسی

در زبان فارسی طرح‌واره‌های مختلفی ناظر بر مالکیت محمولی و اسمی هستند. علاوه بر فعل‌هایی «متعلق بودن»/«تعلق داشتن» که ریشه در وام‌گیری از زبان عربی دارد^۱، طرح‌واره‌های زیر را می‌توان منشأ ساخت‌های ناظر بر مالکیت در فارسی دانست.

۳-۱. طرح‌واره کنش

مالکیت محمولی با فعل «داشتن» از این طرح‌واره به وجود آمده است. معنای مالکیت در فعل «داشتن» از فارسی میانه شروع شده است. (مکنزی^۲، ۱۹۸۶: ۲۵؛ داوری و نغزگوی کهن، ۲۰۱۷: ۱۷۰-۱۶۹):

21) *čē man dār-ēm bārag azēr rān ... ud*
 since I PRS.have-1SG horse under thigh and
man dār-ēm tigr andar kantigr
 I PRS.have-1SG arrow in quiver

«چون من اسب را به زیر ران دارم... و چون من تیر در تیردان دارم.»

(جاماسپ^۳، ۱۹۹۲: ۲۱۶)

معنای اولیه فعل «داشتن»، «(محکم) نگاه داشتن» بوده است:

22) *Aspacanā vaça-bara isuvā-m dāray-atiy*
 Aspacanā mace-bearer battle-ax-ACC PRS.hold-3SG

«اسپ چنای گرزدار، تبرزینی را محکم نگاه می‌دارد.»

^۱ «تعلق داشتن» و «متعلق بودن» معمولاً با مملوک بی‌جان به کار می‌روند (برای توضیحات بیشتر رک. نغزگوی کهن، ۱۳۹۵: ب).

^۲D.N MacKenzie

^۳D. Jamasp

(شروو^۱، ۲۰۰۲: ۳۶)

23) *vašnā Auramazd-āha ima xšāç-am dāray-āmiy*
 by_favor_of Ahuramazda-GEN/DAT this kingdom-ACC PRS.hold-1SG

«با عنایت اهورامزدا این پادشاهی را نگاه می‌دارم.»

(کنت^۲، ۱۹۵۳: ۱۱۹)

داوری و نغزگوی کهن (۲۰۱۷: ۱۷۲) بر این باورند که در مسیر تبدیل معنای واژگانی این فعل به معنای مالکیت، معنای اولیه «نگاه داشتن» که «کنترل فیزیکی و نگاه داشتن با دست» بوده است، دچار مقداری معنادرایی^۳ (یعنی از بین رفتن معنای قاموسی) و بسط استعاری شده است، به‌صورتی که کنش عینی «به دست گرفتن» زایل شده و تنها معنای انتزاعی تر «داشتن» برجای مانده است. نکته جالب توجه از نظر نویسندگان اخیر این است که نگاه داشتن در دست نمی‌تواند دائمی باشد، بنابر این معنای انتزاعی تر «داشتن» نیز معمولاً ناظر بر مالکیت موقت و تفکیک‌پذیر است. فعل «داشتن» در کاربرد مالکیت دارای ویژگی‌های صرفی - نحوی منحصر به فرد است، مثلاً، صورت امری، التزامی یا مجهول ندارد و بدون وندهای صرفی «ب-» و «می-» به کار می‌رود و مفعول آن «را» نمی‌پذیرد (نغزگوی کهن، ۱۳۹۵: ب). علاوه بر فعل «داشتن»، همکردهایی مانند «گرفتن»، و «بردن» در افعال مرکبی مثل «زن گرفتن» یا «زن بردن» ناظر بر این طرح‌واره هستند:

(۲۴) هیچی ننه. زن بگیرد. چرا صیغه اش نمیکنی؟ (آل احمد، ۱۳۷۲: ۸۹)

(۲۵) آن پیرزن فالگیر گفته بود که از ده زن می‌بری (آل احمد، ۱۳۷۲: ۸۹)

۳-۲. طرح‌واره مکانی

مثال‌هایی زیر از فارسی نو متقدم، مطابق با این طرح‌واره در مالکیت اسمی است:

(۲۶) بر خوشه‌های او میوه باشد (ابوریحان بیرونی، صیدنه، ۵۸۹)(۲۷) «کر کروهن» را زغب نباشد و بر وی گره‌ها باشد (بیرونی، صیدنه، ۵۸۹)

در فارسی امروز طرح‌واره مکانی تنها در بعضی از عبارات اصطلاحی مثل «زیر پا... بودن/گذاشتن»، «دست... بودن» معنای مالکیت (محمولی) می‌دهد:

(۲۸) توی شرکت پخش دارو یک ماشین گذاشته بودند زیر پایمان (نجفی، ۱۳۸۷: ۸۳۷)

(۲۹) اون کتابی که فکر می‌کنی گم کردی دست منه.

برای اتمام یا قطع مالکیت نیز از عبارات اصطلاحی مثل «از دست دادن»، «دست کسی را کوتاه کردن»، «از دست کسی گرفتن» و «از چنگ کسی در آوردن» استفاده می‌شود:

(۳۰) بهترین اثر بزرگترین استاد ایران را داشتم از دست می‌دادم (بزرگ علوی، ۱۳۸۷: ۶۷).

(۳۱) دست‌تان را از هر چه می‌خواهید کوتاه می‌کنم، آن چنان که دست فرزندم را بریدید (صالحی، ۱۳۹۰: ۷۰)

(۳۲) عباس جان دارند خواهرت را از دست ما می‌گیرند (نجفی، ۱۳۸۷: ۶۵۶)

(۳۳) اگر یکهو صاحب این همه پول بشوم... زوردارها می‌گیرندم می‌کشندم از چنگم در می‌آورند (نجفی، ۱۳۸۷: ۴۴۸)

¹P. Skjærvø² Kent³ desemanticization

نکته قابل توجه در موارد مربوط به فارسی معاصر این است که ما به نوعی با کاربرد اصطلاحی اعضای بدن برای بیان مالکیت محمولی روبرو هستیم.

۳-۳. طرح‌واره همراهی

کاربرد طرح‌واره همراهی در زبان فارسی در متون رسمی بیشتر است. طرح‌واره همراهی بیشتر در ساخت مالکیت محمولی به کار می‌رود (هاینه، ۱۹۹۷: ۹۴)، اما در زبان فارسی هم در ساخت مالکیت محمولی و هم اسمی کاربرد دارد:

(۳۴) پدری با دو فرزند را دیدم (مالکیت اسمی)

(۳۵) احمد پدری با دو فرزند است (مالکیت محمولی)

کاربرد طرح‌واره همراهی قدیمی است و در متون فارسی نو متقدم نیز دیده می‌شود:

(۳۶) در راه جماعتی از دزدان بدو رسیدند، و بر گمان آنکه مگر با وی مالی خطیر است (عوفی، *جوامع الحکایات*، ۲۷)

(۳۷) مرا هیچ شک نماند که این زهر با تست (گرگانی، *تاریخ برامکه*، ۶)

۳-۴. طرح‌واره اضافی

این طرح‌واره در ساخت مالکیت اسمی به کار می‌رود:

(۳۸) کتابم

(۳۹) پدرش

۳-۵. طرح‌واره هدف

در فارسی معاصر از این طرح‌واره برای بیان مالکیت محمولی استفاده می‌شود. در این طرح‌واره مالک بعد از پیش‌اضافه های «برای»، «مال»، «واسه» قرار می‌گیرد و فعل بند، ربطی است. در واقع، مالک در این ساخت در جایگاه بهره‌ور قرار می‌گیرد:

(۴۰) این پیراهن برای من است.

(۴۱) گفتم که می‌خواهم تمام عمر مال او باشم (بزرگ علوی، ۱۳۷۸: ۱۸۰)

(۴۲) تمام این وسایل واسه ماست.

گاهی نیز به جای پیش‌اضافه‌های فوق اصطلاح کلیشه‌ای در اختیار کسی بودن» در همین معنا به کار می‌رود:

(۴۳) تمام دارایی‌های من در اختیار تو است (بزرگ علوی، ۱۳۸۷: ۱۶۶)

در موقعیت‌های غیررسمی‌تر به جای «در اختیار» به راحتی می‌توان از پیش‌اضافه‌های دیگر «مال»، «واسه» و «برای» استفاده کرد.

این طرح‌واره در فارسی متقدم نیز کاربرد داشته است. البته به جای پیش‌اضافه‌های «برای»، «مال» و ... از پس‌اضافه «را» بعد از مالک استفاده می‌شده است:

(۴۴) این مرد را زبانی فصیح بود (گرگانی، *تاریخ برامکه*، ۱۵)

(۴۵) خالد را پسر یحیی بود و یحیی را پسران بودند (گرگانی، *تاریخ برامکه*، ۹)

علاوه بر فارسی نو، این ساخت در فارسی میانه نیز کاربرد داشته است:

«زنان را خرد نیست.» (عریان، ۱۳۹۱: ۲۱۱/۶۴، اندرزهای پیشینیان)

ساخت اخیر منسوخ شده است و «را» نیز نقش بهره‌ورنما را از دست داده است.

۳-۶. طرح‌واره منبع

در فارسی نو متقدم در مالکیت اسمی، از پیش اضافه «از» برای نشاندار کردن مالک استفاده شده است.

(۴۷) شاه بی دستوری و صواب دید از وی هیچ کاری نکردی (اسکندرنامه، به نقل از بهار ۱۳۷۵، چ ۸: ۲، ۱۴۱-۱۴۲)

(۴۸) این آخرین روزی است از من همه پیش من آید (گرگانی، تاریخ برامکه، ۱۰)

به ندرت این کاربرد را در فارسی معاصر نیز می‌توان مشاهده کرد:

(۴۹) به مسافرت برویم، پول و هزینه از شما، کار از ما.

البته در فارسی امروز به جای طرح‌واره منبع بیشتر از ساخت گروه اسمی با کسره اضافه برای بیان ساخت مالکیت

استفاده می‌شود، مثل دو شاهد اول مربوط به فارسی نو متقدم را می‌توانیم به صورت زیر بیان کنیم:

(۵۰) صواب دید از وی: صواب دید وی

(۵۱) آخرین روزی از من: آخرین روز من

در روش جدید به جای مالک، مملوک با کسره اضافه نشاندار شده است. این ساخت در طرح‌واره‌های هاینه نمی-

گنجد بنابر این لازم است طرح‌واره رویداد جدیدی به فهرست هاینه اضافه شود. ما این طرح‌واره جدید را «طرح‌واره اتصالی» می‌نامیم و در بخش جداگانه‌ای آن را به بحث می‌گذاریم.

نکته جالب توجه این است که در فارسی نو «از» هم در ساخت‌های خاصی مملوک را می‌تواند نشاندار کند. این نوع

ساختها ناظر بر مالکیت بیرونی هستند و در زمره طرح‌واره منبع قرار نمی‌گیرند، زیرا در آنها مالک نشاندار نشده است:

(۵۲) سرباز از پا مورد اصابت گلوله قرار گرفت.

ساخت مالکیت بیرونی معمولاً در زمانی به کار می‌رود که رابطه مالک و مملوک از نوع کل-جزء یا خویشاوندی

باشد. از آنجا که مالکیت بیرونی از بحث ما خارج است، در اینجا بیشتر از آن سخنی به میان نمی‌آوریم (برای توضیحات

و مثالهای بیشتر رک. نغزگوی کهن، ۱۳۹۵: ب).

در کاربرد سوم حرف اضافه «از» با کلمه «آن» ترکیب شده و با نشاندار کردن مالک و فعل «بودن» ساخت مالکیت

محمولی ساخته است:

(۵۳) شاید، پس چطور؟ چشم‌ها از آن شما نیست؟ (بزرگ علوی، ۱۳۸۷: ۷۵)

۳-۷. طرح‌واره اتصالی

در زیر شاخه زبان‌های ایرانی در خانواده زبان‌های هندواروپایی و نیز زبان‌های ترکیک ساختی وجود دارد که

دستورنویسان آن را به طور سنتی «اضافه» می‌خوانند. این ساخت کاربردهای مختلفی دارد و یکی از کاربردهای آن

اتصال مالک و مملوک و متمایز کردن این دو از هم است. در زبان فارسی، کاربرد این ساخت به این صورت است که

در مالکیت اسمی، مملوک به صورت اسم/گروه اسمی قبل از مالک قرار می‌گیرد و با کسره اضافه نشاندار می‌شود:

(۵۴) دست او

(۵۵) کتاب علی

علت متمایز ساختن «طرح‌واره اضافه» از «طرح‌واره اتصالی» این است که در طرح‌واره اضافه ما با یک ساخت ترکیبی روبرو هستیم که در آن مالک به صورت جزئی وابسته که معنای ضمیری دارد به مملوک اضافه می‌شود و آن را نشان‌دار می‌کند (مانند: کتابم)، در حالی که در طرح‌واره اتصالی ساختی تحلیلی داریم که در آن هم نشانه کسره اضافه (که معنای ضمیری ندارد) و هم ترتیب کلمات دارای اهمیت است، مثلاً در شاهد زیر بعد از دو کلمه کسره اضافه آمده است:

(۵۶) کتاب پرفروش علی

در اینجا این ترتیب کلمات است که علاوه بر نشانه کسره اضافه، مملوک را از مالک متمایز می‌سازد؛ زیرا کسره اضافه علاوه بر مملوک به «پرفروش» نیز متصل شده است. دیکسون (۲۰۱۰: ۲۶۹-۲۶۸) برای نشانه‌گذاری مشابهی از اصطلاح «تعلقی»^۱ استفاده می‌کند که از اصل لاتین «متعلق بودن»^۲ گرفته شده است (مثال زیر از زبان کربی^۳ است):

57) la a- hem
3SG Pertensive- house

«خانه او»

از آنجا که کسره اضافه به همراه ترتیب کلمات مملوک را متمایز می‌سازد و انحصاراً نشانه مملوک نیست، بنابر این شاید کاربرد اصطلاح مورد نظر دیکسون برای موارد فارسی موجه نباشد.

در فارسی امروز کسره اضافه به صورت e تلفظ می‌گردد و تلفظ آن در فارسی نو متقدم به صورت i بوده است. این صورت به لحاظ رفتار دستوری، پی‌بستی غیرتکیه‌بر است که نقش اصلی آن اتصال است. در ساخت اضافه فارسی، هسته در جایگاه آغازین می‌آید و پی‌بست e= آن را به کلمه بعدی یا همان توصیف‌گر ربط می‌دهد. اگر تعداد توصیف‌گرها بیش از یکی باشد، نه تنها هسته، بلکه تک‌تک توصیف‌گرها (جز توصیف‌گر آخر) در مقام میزبان عمل می‌کنند و کسره اضافه به آنها متصل می‌شود. مالک در مقام توصیف‌گر همیشه جایگاه آخر را اشغال می‌کند و پس اضافه «را» نیز در صورت نیاز بعد از توصیف‌گر انتهایی قرار می‌گیرد، مانند «گاو شیرده او را دزدیدند». جزء hya در فارسی باستان را می‌توان ریشه کسره اضافه در فارسی نو دانست (کنت، ۱۹۴۴). این جزء به لحاظ حالت، شمار و جنس صرف می‌شده است. کنت (۱۹۴۴) با بررسی ۳۸۸ مورد وقوع hya و ربط دادن آن به جزء اشاری sya-s در سانسکریت ودایی، آن را به عنوان ضمیر موصولی و از جمله ادات اشاره معرفی می‌کند. هیگ (۲۰۱۱: ۳۸۳) با نقد تحلیل کنت در مورد ادات اشاره، عامل معرفگی^۴ هسته اسمی را در کاربرد این جزء در بافت‌های مورد نظر دارای اهمیت می‌داند. وی بر آن است که تمامی موارد وقوع hya به هسته اسمی معرفه باز می‌گردد، بنابراین hya در واقع در بیشتر مواقع در آغاز بندهای غیرتحدیدی^۵ یا همان گروه بدل^۶ می‌آمده است. در فارسی میانه جزء اضافه به صورت آ بوده است (راستارگویا ۱۳۷۹: ۲۲۱-۲۱۹) و در نقش‌های موصولی و اتصالی به کار می‌رفته است. در فارسی نو این دو نقش تنها به نقش اتصالی تقلیل پیدا کرده است

¹ pertensive

² pertinere

³ Karbi

⁴ definiteness

⁵ non-restrictive

⁶ appositive phrase

(حیدر و تسوانزیگر^۱ ۱۹۸۴: ۱۳۷). در واقع، در فارسی نو کسره اضافه کاملاً از محتوای معنای قاموسی تهی شده است و یکی از کاربردهای آن نشاندار کردن اسم/گروه اسمی مملوک شده است.

۳-۸. طرح‌واره مبتدائی

رمزگذاری مالکیت اسمی در زبان فارسی می‌تواند با طرح‌واره مبتدائی انجام شود:

(۵۸) علی، پسرش معلم است.

(۵۹) کشاورز، خانه اش در همین آبادی است.

طرح‌واره مبتدائی در زبان فارسی در واقع از ترکیب «مالک» و «طرح‌واره اضافی» به وجود می‌آید.^۲ در کاربرد طرح‌واره مبتدائی بر مالک تأکید می‌گردد تا توجه شنونده/خواننده به او جلب شود. تمامی جملاتی را که به طرح‌واره مبتدائی بیان شده‌اند را می‌توان با طرح‌واره اتصالی نیز بیان نمود:

(۶۰) پسر علی معلم است.

(۶۱) خانه کشاورز در همین آبادی است.

در این صورت تأکید مربوطه به شنونده/خواننده انتقال نمی‌یابد.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های موجود، در فارسی طرح‌واره‌های رویداد مختلفی ناظر بر ساخت مالکیت اسمی و محمولی در زبان فارسی هستند. نوع استفاده از این طرح‌واره‌ها را در هر ساخت می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول ۳- طرح‌واره‌های بیان مالکیت اسمی و محمولی در زبان فارسی

طرح‌واره	مالکیت اسمی	مالکیت محمولی
کنش	-	+
مکانی	+	+
همراهی	+	+
اضافی	+	-
هدف	-	+
منبع	+	+
اتصالی	+	-
مبتدائی	+	-
برابری	-	-

براین اساس مشخص می‌شود که در زبان فارسی از هشت طرح‌واره برای بیان مالکیت اسمی و محمولی استفاده می‌شود. ویژگی مهم زبان فارسی استفاده از طرح‌واره اتصالی است که در زبان‌های غیر ایرانی و ترکیک دیده نشده است و در فهرست طرح‌واره‌های هاینه نیز وجود ندارد. علت استفاده نشدن این طرح‌واره در زبان‌های غیرایرانی نبود ساخت

^۱H. Haidar and R.Zwanziger

^۲برای تحلیل دستوری این ساخت رک. راسخ مهند، ۱۳۸۸: ۲۱.

کسره اضافه در این زبان‌ها است. نگارندگان از کاربرد طرح‌واره پیشنهادی در زبان‌های ترکیک در محدوده جغرافیایی ایران به خصوص ترکی آذربایجانی اطلاعی ندارند و این امر نیازمند تحقیقی مستقل است. در زبان فارسی از این امکان دستوری (یعنی کسره اضافه) استفاده شد و نقش دستوری دیگری به آن اضافه شده است. در این واگرایی نقشی (که از اصول دستوری شدگی است) کسره اضافه در گذر زمان به همراه ترتیب کلمات موجب متمایز ساختن مملوک از مالک شده است. مشخصه مهم دیگر فارسی استفاده از طرح‌واره منبع در بیان مالکیت محمولی و اسمی است، در حالی که این طرح‌واره در زبان‌های جهان تنها در بیان مالکیت اسمی مورد استفاده قرار گرفته است. شواهد ما نشان‌دهنده این حقیقت است که زبان فارسی در بیان مالکیت تقریباً از همه طرح‌واره‌های مالکیت (جز طرح‌واره برابری) استفاده نموده است.

کتابنامه

- آل احمد، جلال (۱۳۷۲). *نفرین زمین*. تهران: انتشارات فردوس.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۵۸). *صیانه*. ترجمه فارسی اول قرن هشتم هجری از ابوبکر بن علی بن عثمان کاسانی. قسمت دوم. متن ترجمه فارسی. به کوشش منوچهر ستوده و ایرج افشار. تهران: شرکت افست سهامی عام.
- بزرگ علوی، سید مجتبی (۱۳۸۷). *چشم‌هایش*. چاپ نهم. تهران: انتشارات آگاه.
- بهار، محمد تقی (۱۳۷۵). *سبک‌شناسی*، ۳ جلد. چاپ هشتم. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- راستارگویا، و. س. (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی میانه*. تهران: انجمن آثار و مفاخر ملی.
- راسخ مهند، محمد (۱۳۸۸). *گفتارهایی در نحو*. تهران: نشر مرکز.
- سعدی شیرازی، مصلح بن عبد الله (۱۳۸۱). *کلیات سعدی*. با مقدمه و تصحیح محمد علی فروغی. تهران: نشر طلوع.
- صالحی، آتوسا (۱۳۹۰). *قصه‌های شاهنامه*. جلد‌های ۴ تا ۶. چاپ دوازدهم. تهران: نشر افق.
- عریان، سعید [پژوهش] (۱۳۹۱). *متن‌های پهلوی*. گردآورنده: جاماسب جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا. تهران: نشر علمی.
- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۷۴). *جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات*. به کوشش دکتر جعفر شاعر. چاپ پنجم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). *دوره مقدماتی حقوق مدنی، اموال و مالکیت*. تهران: نشر دادگستر.
- گرگانی، م. ع. [تصحیح] (۱۳۱۳). *تاریخ برامکه*. مطبعه مجلس.
- مصطفوی، پونه (۱۳۹۱). *بررسی ساخت مالکیت محمولی در فارسی معاصر*. دستور. ۸: ۱۶۸-۱۰۲.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی عامیانه*. چاپ دوم. تهران: انتشارات نیلوفر.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۹). *چگونگی شناسایی موارد دستوری شدگی، مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره اول، شم ۱، صص ۱۴۹-۱۶۵.
- نغزگوی کهن، مهرداد و راسخ، محمد (۱۳۹۱). *دستوری شدگی و بسط استعاری*. *پژوهش‌های زبانی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ۴ صص ۱۳۴-۱۱۷.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۵ الف). *بیان مالکیت در تالشی*. زبان فارسی و گویش‌های ایرانی. ۱ صص ۲۰-۲.
- نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۵ ب). *بیان مالکیت در فارسی نو*. دستور. ۱۲ صص ۱۹۲-۱۷۱.
- Aikhenvald, A. Y. (2013). Possession and ownership: a cross-linguistic perspective. In: A. Y. Aikhenvald and R. M. W. Dixon (eds.). *Possession and Ownership: a Cross linguistic Typology*. 1-64. Oxford: Oxford University Press.

- Clark, E. (1978) Locationals: existential, locative, and possessive constructions. In: J. Greenberg (ed.). *Universals of Human Language*, Vol. 4. 85-126. Stanford: Stanford University Press.
- Davari, Sh. and Naghzhguy-Kohan, M. (2017). The grammaticalization of progressive aspect in Persian. In: Kees Hengevel, Heiko Narrog, and Hella Olbertz (eds). *The Grammaticalization of Tense, Aspect, Modality and Evidentiality, A Functional Perspective*. 163-189. Berlin/Boston: De Gruyter Mouton.
- Dixon, R. M. W. (2010). *Basic Linguistic Theory: Grammatical Topics*. Oxford: Oxford University Press.
- Fried, M. (2009). Plain vs. situated possession in Czech: A constructional account. In: McGregor [ed.](2009). *The Expression of Possession*. 213-248. Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Haider, H., and Zwanziger, R. (1984). Relatively attributive: The 'ezafe'-construction from Old Iranian to Modern Persian. *Historical Syntax*. 23, 137- 172.
- Haig, G. (2011). Linker, relativizer, nominalizer, tense-particle. In: Foong HaYap, Karen Grunow-Harsta, and Janick Wrona [eds.]. *Nominalization in Asian Languages: Diachronic and Typological Perspectives*. 363-390. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
- Heine, B. (1993). *Auxiliaries: Cognitive Forces and Grammaticalization*. Oxford: Oxford University Press.
- Heine, B. (1997). *Cognitive Foundations of Grammar*. Oxford: Oxford University press.
- Hopper, P J. (1991). On some principles of grammaticization, In Elizabeth C. Traugott and Bernd Heine (Eds.), *Approaches to Grammaticalization*, 17-35. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Jamasp-Asana, J. M. (1992). *Pahlavi Texts (transcription, translation)*. Tehran: National Library of Iran.
- Kent, Roland G. (1944). The Old Persian Relative and Article. *Language* 20, 1-10.
- Kent, Roland G. (1953). Second Edition. *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*. New Haven, Connecticut: American Oriental Society.
- Langacker, R. (1993). Reference point constructions. *Cognitive Linguistics* 4, 1-38.
- Mackenzie, D. N. (1986). *A Concise Pahlavi Dictionary*. London: Oxford University Press.
- McGregor, William B. [ed.] (2009). *The Expression of Possession*. Berlin & New York: Mouton de Gruyter.
- Nichols, J. (1988). On alienable and inalienable possession. In William Shipley(ed.), *In Honor of Mary Haas*. 557-609. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Nichols, J. (1992). *Linguistic Diversity in Space and Time*. Chicago: University of Chicago Press.
- Skjærvø, Prods O. (2002). 2nd edn *An Introduction to Old Persian*. <https://www.fas.harvard.edu/~iranian/OldPersian/opcomplete.pdf>. (accessed 10 May 2013).
- Stassen, L. (2005). Predicative possession. In Martin Haspelmath, Matthew S. Dryer, David Gil and Bernard Comire, *The world Atlas of Language Structures*. 474-477. Oxford: Oxford University Press.
- Watkins, C. (1967). Remarks on the genitive. In: *To Honor Roman Jakobson*. Essays on the occasion of his 70th birthday. Vol.3. 2191-2198. The Hague: Mouton.